شهادت مامور، هنگام ماموریت

عامل شهادت جانشین پلیس اطلاعات شهرستان عنبرآباد در درگیری با ماموران به هلاکت رسید. به گزارش جام‌جم، شامگاه پنجشنبه بیست‌وچهارم بهمن امسال ستوان‌یکم ریاحی، جانشین پلیس اطلاعات شهرستان عنبرآباد، هنگام گشتزنی با همکارش در محله مختارآباد بودند که متوجه یك متهم فراری که از اشرار مسلح بود، شدند. آنها قصد دستگیری وی را داشتند که شهید ریاحی دردرگیری با شرور مسلح هدف شلیك گلوله قرار گرفت و به شهادت رسید. همکار زخمی او به بیمارستان منتقل شد.

سرانجام با تلاش نیروهای انتظامی و امنیتی، قاتل شهید ریاحی در کمتر از چهار ساعت شناسایی و هنگام فرار در محور دوساری به کهنوج هنگام درگیری با ماموران به هلاکت رسید. شهید ریاحی اهل عنبرآباد کرمان، متاهل و دارای یك فرزند بود. امروز شنبه بیست و ششم بهمن، پیکر او بر دوش همرزمانش از میدان شاهد به سمت گلزار شهدای این شهر تشییع می‌شود.

ریزش بهمن در روستای رشته‌رود، جان مادر و دختر را گرفت

مرگ زیر آوار برف

گروه حوادث

امدادگران هلال احمر استان گیلان در جریان عملیات امدادرسانی بعد از ریزش بهمن در روستای رشته‌رود (حوالی رودبار) توانستند دو نفر را نجات دهند و جسد ۲ نفر را کشف کنند. این در حالی است که تلاش‌های امدادگران برای یافتن دیگر افراد احتمالی گرفتار شده در این بهمن ادامه دارد.

به گزارش خبرنگار جام‌جم، بارش برف که از شامگاه یکشنبه در مناطق مختلف گیلان آغاز شد تا عصر سه‌شنبه در مناطق مختلف این استان ادامه یافت؛ موجب قطعی آب و برق بسیاری از مناطق روستایی و شهری در شهرستان‌های مختلف و مسدود شدن بخش زیادی از جاده‌های روستایی و نیز آزادراه رشت ـ قزوین و برخی دیگر از محورهای اصلی جاده‌ای شد. این در حالی بود که حجم سنگین بارش برف که باعث سقوط بهمن در رشته‌رود (حوالی رودبار) و نیز گرفتار شدن تعدادی از ساکنان روستایی در زیر برف و بهمن ناشی از آن شد. بعد از این حادثه بود که با گزارش این موضوع به اورژانس و هلال احمر، نیروهای امدادی این دو سازمان در آنجا حاضر شدند و آنها به امدادرسانی پرداختند. همچنین امدادگران اورژانس با بالگرد در محل حاضر شدند تا هر چه سریع‌تر با یافتن مصدومان آنها را با بالگرد هوایی به بیمارستان منتقل کنند.

مهدی ولی‌پور، مدیرعامل جمعیت هلال احمر گیلان درباره آخرین وضعیت امدادرسانی گفت: همزمان با ریزش بهمن، نجاتگران برای امدادرسانی با بالگرد به روستای رشته‌رود بخش مرکزی شهرستان رودبار اعزام شدند. آنها در تلاش برای نجات افراد گرفتار شده در بهمن بودند تا این‌که توانستند خانم سالخورده‌ای را که مصدوم شده بود، زنده از زیر بهمن بیرون آورند.

وی افزود: او در بیمارستان بستری شد و امدادگران دوباره به عملیات نجات خود در روستا ادامه دادند تا این‌که توانستند جسد زن جوانی را همراه کودکش از زیر آوار برف و بهمن روستا بیرون بیاورند که اجساد آنها به پزشکی قانونی منتقل شد.

تصویر جست‌وجوی امدادگران و یکی از جان‌باختگان بهمن

برنامه‌ریزی برای جست‌وجو و کمك‌رسانی‌ها از سوی جمعیت هلال احمر همچنان ادامه دارد و امدادگران هلال‌احمر در تلاش هستند که اگر افراد دیگری زیر آوار بهمن و برف در روستا گرفتار شده‌اند، نجات دهند.

این در حالی است که سه شنبه بیست و دوم بهمن امسال، سقوط بهمن در روستای رشته رود بالای بخش مرکزی رودبار رخ داد. سه واحد مسکونی زیر بهمن دفن شد. همزمان با این حادثه بود که شش نفراز اهالی روستا زیر آوار بهمن گرفتارشدند. در ادامه امدادگران هلال احمر بعداز اطلاع از این ماجرا برای نجات اهالی روستا به آنجا اعزام شدند. آنها در ادامه جست‌وجوهایشان توانستند جسد پنج نفرکه زیر بهمن گرفتار شده و فوت کرده بودند را پیدا کنند و سرانجام اجساد قربانیان را از زیر توده‌های برف بیرون آوردند. همچنین یکی از اهالی را در حالی زنده زیر آوار برف یافتند که او مصدوم شده بود که بعداز اقدامات اولیه به بیمارستان منتقل شد.

دردسر پلیس‌بازی آقای کارگردان

پسر عشق بازیگری که در پشت صحنه دو فیلم معروف سینمایی همکاری داشت فکر نمی‌کرد پلیس‌بازی مسلحانه برای دستگیری دزد اموالش، او و همدستانش را به دردسر بیندازد.

به گزارش خبرنگار جرایی جام‌جم، اوایل دی امسال مردجوانی باحضور در شعبه پنجم بازپرسی دادسرای ناحیه ۳۴ تهران ازسه پلیس قلابی مسلح به اتهام تهدید به قتل و سرقت پول‌هایش شکایت کرد. با دستور بازپرس علی ایردموسی تحقیقات پلیس پایتخت برای دستگیری آنها آغاز شد.

شاکی در جریان تحقیقات پلیسی گفت: «طراح دکوراسیون خانه و اداره‌ها هستم. آن شب کارم که پایان گرفت، سوار خودروی خود شده و به سمت خانه به‌راه افتادم. حوالی پل ستارخان دختری را به عنوان مسافر سوار کردم و به سمت شهرآرا در حرکت بودم که خودروی پژو ۲۰۶ نوك مدادی با شیشه‌های دودی و چراغ گردان مقابلم توقف کرد. سه پسر جوان که سرنشین آن بودند پیاده شدند و سمتم آمدند. یکی از آنها سلاح کمری همراه داشت. آنها درباره حضور دختر جوان در خودرویم سوال‌هایی پرسیدند که گفتم مسافر است. باورشان نشد و حتی به زور می‌خواستند آن دختر را ربوده و با خود ببرند که مانع شدم.»

وی افزود: «مامور مسلح و همدستانش مرا کتك زدند و از خودرو پیاده‌ام کردند، یکی از آنها سلاح را روی سرم گذاشت و تهدید کرد اگر مقاومت و از دستش فرار کنم با شلیك گلوله مرا به قتل می‌رساند که به‌ناچار سکوت کردم. می‌گفتندکه باید پول کلان به آنها بدهم تا رهایم کنند. گفتم مرا نکشید مبلغی پول در کارت بانکی‌ام است، آن را بردارید. بعد دو نفر کنار خودرویم ماندند و نفری که مسلح بود کلاه سرش گذاشت و مرا مقابل خودپرداز برد. موجودی حسابم را به چند حساب منتقل کرد و بعد با همدستانش فرار کردند.»

تحقیقات پلیسی برای دستگیری ماموران قلابی سارق مسلح ادامه داشت تا این‌که معلوم شد کارت‌هایی که پول سرقتی به آن واریز شده متعلق به افراد مجهول‌الهویه بوده و از این طریق ردی از متهمان فراری به دست نیامد. جست‌وجوها برای یافتن خودروی آنها ادامه داشت تا این‌که چند روز پیش سرانجام ماموران خودروی پلیس‌های قلابی که هویت مالك آن خانم میانسالی بود رایافتند. این زن احضار شد و در تحقیقات گفت که خودرو را در اختیار دو پسر جوانش داده که مغازه بوتیك در حوالی کوی نصر تهران دارند.

همین سرنخ کافی بود که دو پسر جوان که برادر بودند شناسایی و بازداشت شوند. آنها در تحقیقات منکر جرایمشان شدند اما زمانی که در جلسه بازپرسی در شعبه پنجم بازپرسی دادسرای ناحیه ۳۴ تهران با شاکی مواجهه حضوری شدند، به جرایم‌شان اعتراف کردند و گفتند؛ دختری که همراه شاکی بود، ۲۰ میلیون تومان از ما سرقت کرده بود و ما به دنبال او بودیم. وقتی خودروی شاکی را متوقف کردیم او از دختر جوان حمایت کرد به همین خاطر از او سرقت کردیم. با اعتراف این دو برادر، دوست مکانیك‌شان که با آنها همدستی کرده بود هم بازداشت و به جرم خود اعتراف کرد. متهمان در بازداشت به‌سر می‌برند و تحقیقات از آنها ادامه دارد.

از عشق بازیگری تا سرقت مسلحانه

سهیل پسر جوانی است که بازیگری خوانده و سرکرده این باند است، همراه برادرش و دوستش روی صندلی نشسته و دستبندهای فولادی دستانشان را به هم گره زده است. باورش نمی‌شود که نقشه به سبك فیلم‌های پلیسی و عشق به بازیگری‌اش او و همدستانش را این چنین گرفتار کرده است.

درس خواندی؟

لیسانس بازیگری و کارگردانی دارم. شیفته بازیگری‌ام. اکثر همکلاسی‌هایم بازیگران و کارگردان‌های مطرحی شده‌اند اما من نقش‌های کمی را ایفا کردم. در پشت صحنه فیلم‌های متری شیش و نیم و ابد و یك روز که کارگردانش از همکلاسی‌های دوران دانشجویی‌ام بود، فعالیت زیادی داشتم. در کنار کار بازیگری، یك بوتیك هم با برادرم راه‌اندازی کردیم.

گفتی به خاطر سرقت اموالت، پلیس قلابی شدی؟

دو ماه پیش در زیر پل ستارخان دختری جوان را به عنوان مسافر سوار کردم، با هم حرف زده و دوست شدیم و شماره تلفنم را گرفت. در میانه راه خواست که برایش نوشیدنی بخرم و آن موقع فراموش کردم وسایلی از جمله طلا، دلار، سکه، دستبند و ساعت که ۲۰ میلیون تومان ارزش داشت و می‌خواستم به گاوصندوق مغازه ببرم را با خودم بردارم. وقتی با نوشیدنی‌ها بازگشتم آن دختر نبود و با سرقت اموالم فرار کرده بود و در این دو ماه در جست‌وجوی او بودم و از ترس آبرویم شکایت نکردم. ۲۰ روز پیش هنگام جابه‌جایی وسایل انباری یك سلاح کلت اسباب‌بازی پیدا کرده و تصمیم گرفتم اگر آن دختر سارق را یافتم با این سلاح تهدیدش کنم تا اموال سرقتی را پس دهد.

چطور او را پیدا کردی؟

آن شب من، برادرم و دوست مکانیکم سوار خودرو شدیم و دوباره برای یافتن دختر سارق در خیابان‌ها به جست‌وجو پرداختیم تا به سبك فیلم‌های پلیسی هالیوودی خودمان را پلیس جا بزنیم و بادیدنش او را با تهدید سلاح بترسانیم. وقتی او را دیدم به سمتش رفتم که سوار خودرویی شد. به تعقیب آن خودرو پرداخته و سد راهش شدیم. فکر می‌کردیم همدست هستند. راننده اجازه نداد دختر جوان را با خود ببریم. در حال صحبت با او بودیم که دختر جوان از ماشین بیرون پرید و فرار کرد. ما هم برای جبران خسارت خود، راننده را مقابل عابربانك برده و حسابش را خالی کردیم.

حرف آخر؟

پشیمانم و ای‌کاش عشق بازیگری‌ام باعث نمی‌شد که دست به پلیس‌بازی قلابی بزنم و این طور خود، برادرم و دوستم را گرفتار کنم.

فریب و آزار شیطانی دختر جوان در ویلای جنگلی

پسر جوان که پس از فریب دختری به بهانه ازدواج او را در ویلای جنگلی مورد آزار و اذیت قرار داده بود، به تحمل شلاق و تبعید محکوم شد.

به گزارش خبرنگار جام‌جم، تیر ماه سال گذشته، دختر ۲۵ ساله‌ای با مراجعه به پلیس آگاهی استان البرز از پسر جوانی به اتهام آزار و اذیت شیطانی شکایت کرد. او به کارآگاهان گفت: حدود یك ماه قبل پسر جوانی به اشتباه شماره من را گرفت و وقتی فهمید اشتباه گرفته خیلی مودبانه عذرخواهی کرد. دو روز بعد او در تلگرام به من پیام داد و مدعی شد عکس پروفایلم را دیده و از من خوشش آمده است. او با حرف‌هایش مرا فریب داد و صحبت‌های ما در تلگرام ادامه پیدا کرد تا این‌که یك روز از من خواست همدیگر را حضوری ببینیم. به خاطر اعتمادی که به او پیدا کرده بودم، قبول کردم و با هم قرار گذاشتیم. با یك خودروی مدل بالا به محل قرار آمد و به یك کافی‌شاپ رفتیم و صحبت کردیم. می‌گفت مدیر یك شرکت ساختمان‌سازی است و پدر و مادرش در یکی از شهرهای شمالی کشور ویلا دارند. بعد از آن چند بار دیگر هم قرار ملاقات گذاشتیم و به او علاقه‌مند شدم. یك روز از من خواستگاری کرد و خواست برای آشنایی با خانواده‌اش به ویلای جنگلی آنها در کلاردشت برویم. قرار بود صبح برویم و بعد از ناهار برگردیم. وقتی به ویلا رسیدیم، متوجه شدم کسی آنجا نیست و او نیت شیطانی در سر دارد. خواستم فرار کنم که سد راهم شد و اجازه نداد از ویلا بیرون بروم. او بعد از آن مرا با تهدید و کتك مورد آزار و اذیت قرار داد. وقتی به کرج رسیدیم، قول داد تا یك هفته دیگر به خواستگاری‌ام می‌آید، اما تلفن همراهش را بعد از این ماجرا خاموش کرد و دیگر با من تماس نگرفت.

پس از این شکایت و تشکیل پرونده‌ای در شعبه اول دادگاه کیفری استان البرز، با دستور قضایی تحقیقات برای دستگیری متهم آغاز شد و ماموران با سرنخ‌هایی که دختر جوان به آنها داده بود، پسر جوان را دستگیر کردند. با تکمیل تحقیقات مقدماتی، جلسه محاکمه به ریاست قاضی قیومی و با حضور قاضی رنجبر برگزار شد. در این جلسه دختر جوان دوباره شکایتش را مطرح کرد. در ادامه پسر جوان منکر آزار و اذیت دختر جوان شد و گفت: قبول دارم او را به بهانه ازدواج فریب دادم، اما آزار و اذیت او و تهدیدش درست نیست. آن روز هم برای تفریح به ویلای ما در کلاردشت رفتیم.

پس از دفاعیات متهم و وکیل مدافعش، قضات دادگاه وارد شور شدند و پسر جوان را به تبعید به یکی از شهرهای شرقی کشور و تحمل شلاق محکوم کردند. با اعتراض او به حکم مجازاتش، پرونده به دیوان عالی کشور ارسال شد که قضات دیوان عالی کشور آن را تایید کردند.

تبعید و شلاق برای آزارگری که اتهاماتش را انکار می‌کرد

موادمخدر، قاتل مجرم فراری

متهم بازداشت شده که بعد از بلعیدن موادمخدر حالش بد شده بود، بعد از انتقال به بیمارستان فوت شد. به گزارش خبرنگار جنایی جام‌جم، ساعت ۱۲و۴دقیقه بامداد بیست و دوم بهمن امسال، یکی از ماموران کلانتری نامجو با بازپرس کشیك قتل دادسرای جنایی تهران تماس گرفت و او را در جریان مرگ مشکوك فرد بازداشتی که از سوی پلیس در یکی از بیمارستان‌های پایتخت بستری بود، قرار داد. بادستور بازپرس جنایی تیمی از ماموران اداره دهم پلیس آگاهی تهران برای بررسی ماجرا در بیمارستان حاضر شدند و در جریان تحقیقات اولیه متوجه شدند که مرد فوت‌شده براثر مسمومیت ناشی از بلعیدن موادمخدر فوت شده است. با هماهنگی قضایی، جسد او به پزشکی قانونی منتقل شد. این در حالی بود که پلیس جنایی به تحقیق از مامورانی که فرد فوت‌شده را بازداشت کرده بودند، پرداختند که معلوم شد، مرد فوت‌شده متهم فراری بوده که پلیس توانسته وی را در یکی از محله‌های تهران شناسایی و بازداشت کند. زمانی که او را به بازداشتگاه پلیس منتقل کردند، حالش بدشده و همان جا مجبور شده بگوید که موادمخدر بلعیده است. بنابراین وی را به بیمارستان منتقل کردند اما با وجود تلاش پزشکان، متهم بازداشت‌شده فوت کرده است.

پرونده‌ای در این باره در دادسرای جنایی تهران تشکیل شد و تحقیقات درباره دیگر ابعاد پرونده ادامه دارد.

تلنگر

نجات ۵ نفر در محاصره برف

پنج نفر که در قهوه‌خانه سرراهی جاده خلخال ـ اسالم در محاصره برف قرارگرفته بودند، نجات یافتند.

به گزارش ایرنا، راهداران و امدادگران هلال احمر استان‌های گیلان و اردبیل پنج نفر را که از چهار روز گذشته در قهوه‌خانه سرراهی در جاده خلخال ـ اسالم (حوزه استحفاظی استان گیلان) در محاصره برف و کولاك گرفتار شده بودند روز پنجشنبه نجات دادند. این افراد صاحب قهوه‌خانه و چهار مسافری بودند که خودروی آنها در ییلاق کرمون واقع در جاده خلخال ـ اسالم گرفتار برف و کولاك شده و به این قهوه‌خانه پناه آورده بودند.

آنها با کمبود مواد غذایی مواجه بودند و تلاش‌ها برای رساندن آذوقه به آنها به خاطر برف و کولاك شدید در چند روز گذشته میسر نشده بود. راهداران و ماموران هلال احمر شهرستان خلخال مستقر در گردنه الماس جاده خلخال ـ اسالم این پنج نفر را به این راهدارخانه منتقل و در آنجا اسکان دادند.

۶ کشته در تصادف پراید با سمند

تصادف پراید با سمند در گنبدکاووس باعث مرگ شش نفر و مصدومیت یك نفر دیگر شد.

سرهنگ دوم علی‌اصغر آشور فارسیانی، فرمانده پلیس راه مینودشت ـ گالیکش به ایرنا گفت: ساعت ۴۰ دقیقه بامداد جمعه تصادف میان دو خودروی پراید و سمند در جاده گنبدکاووس ـ مینودشت، بعد از کارخانه نئوپان رخ داد که این تصادف منجر به مرگ شش نفر شد. تنها مصدوم تصادف نیز از سوی امدادگران هلال احمر پس از رهاسازی از داخل خودرو با کمك امدادگران اورژانس به بیمارستان منتقل و بستری شد.

عروس، راز قتل جسد سوخته را می‌دانست

زنی که با همدستی دو عضو خانواده‌اش و مرد غریبه‌ای در پی اختلاف خانوادگی، شوهرش را به قتل رسانده بود، همراه همدستانش بازداشت شد. عاملان این جنایت فامیلی برای فاش نشدن راز ماجرا، جسد را سوزانده بودند.

به گزارش جام‌جم، حسینعلی ایزد، دادستان عمومی و انقلاب مینودشت گفت: جسد سوخته‌ای در منطقه کوهستانی، نزدیکی یکی از روستاهای مینودشت کشف شد. بررسی‌ها برای شناسایی هویت این فرد ادامه داشت تا این که زن و مردی با مراجعه به پلیس آگاهی مینودشت، اعلام کردند سه ماه است پسرشان گم‌شده و از او اطلاعی ندارند و دراین‌باره به عروس‌شان مشکوك هستند.

وی افزود: با توجه به کشف این جسد ماموران از این خانواده خواستند آزمایش دی‌ان‌ای انجام دهند تا معلوم شود آیا جسد سوخته متعلق به پسر گمشده آنهاست یا نه؟ بنابراین آزمایش دی‌ان‌ای آنها با دی‌ان‌ای به دست آمده از جسد سوخته مورد بررسی قرار گرفت و معلوم شد دی‌ان‌ای‌ها با هم مطابقت دارد و جسد سوخته متعلق به پسر گمشده این خانواده است.

دادستان عمومی و انقلاب مینودشت ادامه داد: تحقیقات برای رازگشایی از ماجرای قتل این مرد ادمه داشت تا این‌که چند روز پیش همسر او به عنوان تنها مظنون در این جنایت به پلیس آگاهی احضارشد. او در جریان تحقیقات و بعد از ضد و نقیض‌گویی‌های مختلف سرانجام به قتل اعتراف کرد که همین باعث بازداشت وی شد.

وی افزود: در جریان تحقیقات از همسر مقتول معلوم شد او به انگیزه اختلاف خانوادگی با همدستی مادر، برادر و دوست برادرخود، شوهرش را به قتل رسانده‌اند و برای این‌که هویت مقتول فاش نشود و راز قتل آنها پنهان بماند، جسد او را سوزانده‌اند. با اعتراف عروس جوان، سه همدست فراری او نیز تحت تعقیب پلیس قرار گرفتند و همگی با هماهنگی قضایی بازپرس دادسرای مینودشت بازداشت شدند و به همدستی با یکدیگر در اجرای نقشه قتل داماد خانواده و سوزاندن جسد او اعتراف کردند.